

فصلنامه علمی - تخصصی

مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

گروه علمی - تربیتی تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهراء (ع)

دوره سوم * شماره دهم * زمستان ۱۴۰۳



بررسی نمونه‌هایی از بلاغت اشاره در قرآن کریم:

تحلیل ایجازی دلالت‌های غیر صریح در گفتمان وحی

هادی انصاف^۱

زهرا قاسم‌نژاد^۲

چکیده

بازخوانی ظرفیت‌های بیانی قرآن کریم در مواجهه با چالش‌های هرمنوتیکی و فهم‌پذیری، ضرورتی انکارناپذیر است. در این میان، بلاغت اشاره به مثابه یکی از ظریف‌ترین شیوه‌های ایجاز، امکان کاوش در دلالت‌های غیر صریح و معناپایی لایه‌های پنهان گفتمان وحی را فراهم می‌آورد؛ عرصه‌ای که تاکنون کمتر به‌طور جامع و نظام‌مند بررسی شده است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که بلاغت اشاره در قرآن کریم چگونه از رهگذر ایجاز، به انتقال دلالت‌های غیر صریح و تعمیق لایه‌های معنایی گفتمان وحی یاری می‌رساند؟ پژوهش حاضر با هدف تبیین گونه‌شناسی، کارکردها و نقش ایجازی اشاره در آیات قرآن کریم، با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از رویکرد زبان‌شناختی و بلاغی، به واکاوی نمونه‌های قرآنی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بلاغت اشاره در قرآن، صرفاً یک شگرد بیانی موجز نیست، بلکه سازوکاری برای انتقال دلالت‌های غیر صریح، تعمیق لایه‌های معنایی، ایجاد پیوندهای درونی میان آیات، و برانگیختن قوه تدبر مخاطب است؛ امری که در نهایت ابعاد تازه‌ای از اعجاز بیانی و کارکرد تربیتی گفتمان وحی را آشکار می‌سازد.

واژگان کلیدی

اعجاز بیانی، ایجاز قرآنی، بلاغت اشاره، پراگماتیک (عمل‌گرا)، دلالت‌شناسی.

	H.ensaf90@Gmail.com	۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)
	0009-0003-7026-9419	۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شیراز.
	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵
	استناددهی: انصاف، هادی؛ قاسم‌نژاد، زهرا (۱۴۰۳). «بررسی نمونه‌هایی از بلاغت اشاره در قرآن کریم: تحلیل ایجازی دلالت‌های غیر صریح در گفتمان وحی»، مطالعات تفسیری آلاء الرحمن، دوره ۳، ش ۱۰، صفحات ۴۷-۶۷.	
	https://alaorahman.jz.ac.ir/article_234060.html	

۱. مقدمه

کلام الهی به مثابه سرچشمه هدایت و معارف، از ساختاری متعالی و نظم‌ی بی‌بدیل برخوردار است که هر آیه و هر واژه آن، حامل معانی عمیق و لایه‌های پنهانی از حکمت است. در این میان، بلاغت قرآن کریم و شیوه‌های بیانی بدیع آن، همواره مورد توجه محققان و بلاغت‌پژوهان بوده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۲۳؛ زرکشی، ۱۹۵۸: ۳/۱۸۹). یکی از این شیوه‌های بدیع و در عین حال پیچیده، صنعت ادبی «اشاره» است که در آن، معنایی گسترده در الفاظی اندک گنجانده می‌شود و گویی کلام، بیش از آنکه تصریح کند، تلویحاً و با لطافت، به مقصودی اشاره می‌کند (جرجانی، ۱۴۰۴: ۱۱۵؛ ابن‌اثیر، ۱۹۶۱م: ۱/۲۷۱). ضرورت بازخوانی مستمر و موشکافانه ظرفیت‌های زبانی و بلاغی قرآن، در عصر حاضر که شبهات هرمنوتیکی و سوءفهم‌ها از متون مقدس رو به فزونی است، دوچندان می‌نماید. تبیین دقیق سازوکارهای صنعت اشاره در قرآن، می‌تواند به غنای فهم ما از کلام الهی یاری رساند و راه‌های جدیدی را برای تدبر و تأمل در آن بگشاید.

با وجود حجم گسترده مطالعات پیرامون بلاغت قرآن، چالش اساسی در فهم عمیق صنعت اشاره در قرآن، نبود یک چارچوب تحلیلی جامع و طبقه‌بندی‌شده است که بتواند تمامی وجوه و کارکردهای آن را پوشش دهد. مطالعات پیشین غالباً به صورت پراکنده و در ذیل مباحث کلی بلاغی به این صنعت پرداخته‌اند و یک تحلیل منسجم که به‌طور اختصاصی به ساختارها، انواع و کارکردهای بلاغی اشاره در قرآن پردازد، به ندرت یافت می‌شود. به‌عنوان مثال، در برخی کتب بلاغی سنتی، اشاره ذیل مباحث ایجاز و اختصار مورد بحث قرار گرفته است (نفتازانی، ۱۹۸۷م: ۴۱۵)، اما تفکیک دقیق میان انواع اشاره و تبیین ارتباط آن با سیاق آیات و اغراض کلامی، کمتر مورد توجه بوده است. در تحقیقات معاصر نیز، هرچند مباحث زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان به فهم عمیق‌تر متون کمک کرده‌اند، اما کاربرد اختصاصی این رویکردها در تبیین صنعت اشاره در قرآن، هنوز جای کار فراوانی دارد.

این تحقیق، با هدف رفع این چالش، به تبیین دقیق صنعت اشاره در قرآن کریم می‌پردازد و سعی دارد با ارائه یک چارچوب تحلیلی نوین، انواع و کارکردهای بلاغی این صنعت را به تفصیل

بررسی کند. این پژوهش با بهره‌گیری از دستاوردهای زبان‌شناسی نوین، به‌ویژه در حوزه دلالت‌شناسی و پراگماتیک، و تلفیق آن با مبانی بلاغت سنتی، به تحلیلی جامع‌تر از صنعت اشاره در آیات قرآنی دست خواهد یافت. پیشینه‌های پژوهشی مرتبط با این موضوع را می‌توان در چند دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: دسته اول، کتب بلاغی و تفسیر بلاغی قرآن هستند که به صورت پراکنده به مبحث اشاره می‌پردازند؛ از جمله «دلائل الإعجاز» جرجانی (۱۴۰۴ق)، «البرهان فی علوم القرآن» زرکشی (۱۹۵۸م)، و «الاتقان فی علوم القرآن» سیوطی (۱۹۸۷م). دسته دوم، تحقیقات معاصر در زمینه اعجاز بیانی قرآن است که به‌طور کلی به جنبه‌های بلاغی می‌پردازند، مانند «تصویر هنری در قرآن» سید قطب (۱۹۸۷م) و برخی مقالات در نشریات علمی-پژوهشی (مثلاً: راد، ۱۳۹۵: ص ۱۲۳-۱۴۰). با این حال، نوآوری اساسی این مقاله، در ارائه یک مدل تحلیلی منسجم و اختصاصی برای صنعت اشاره در قرآن است که فراتر از تبیین‌های جزئی یا کلی‌گویی‌های بلاغی، به طبقه‌بندی دقیق، واکاوی ساختاری، و تبیین کارکردهای بلاغی و تأویلی اشاره می‌پردازد و راه را برای فهم لایه‌های عمیق‌تر معنایی در کلام و حیانی هموار می‌سازد.

۱-۱. چارچوب نظری

مطالعه «بلاغت اشاره در قرآن کریم» مستلزم اتخاذ یک چارچوب نظری جامع است که بتواند ابعاد مختلف زبانی، معنایی، و ارتباطی این پدیده را پوشش دهد. این پژوهش بر مبنای ترکیبی از نظریه‌های بلاغی سنتی اسلامی و رویکردهای نوین زبان‌شناختی، به ویژه دلالت‌شناسی (semantics) و پراگماتیک (عمل‌گرا) (pragmatics)، استوار است. بلاغت سنتی اسلامی، به‌طور خاص علم بیان و علم بدیع، مبانی نظری لازم برای شناخت انواع ایجاز و اشارات را فراهم می‌آورد (تفتازانی، ۱۹۸۷م: ۴۱۰؛ جرجانی، ۱۴۰۴: ۱۱۵). از سوی دیگر، نظریه‌های زبان‌شناختی معاصر، ابزارهای تحلیلی قدرتمندی برای درک سازوکارهای پنهان دلالت و قصد گوینده (مؤلف) در متن ارائه می‌دهند.

۲-۱. بلاغت سنتی اسلامی: نظریه ایجاز و دلالت

در بلاغت اسلامی، «اشاره» اغلب ذیل مبحث ایجاز (اختصار یا کوتاه‌گویی) قرار می‌گیرد. ایجاز به معنای آوردن معانی کثیر در الفاظ قلیل است (قزوینی، ۱۴۱۶: ۲۲۲). جرجانی در «دلایل الإعجاز» به تفصیل به رابطه لفظ و معنا و تأثیر نظم کلام در دلالت می‌پردازد و مفهوم «اشاره» را به‌عنوان یکی از وجوه «حسن الدلالة» معرفی می‌کند که در آن، کلام بدون تصریح، به معنایی دلالت می‌کند (جرجانی، ۱۴۰۴: ۲۶۷). او بر این باور است که زیبایی بلاغی در گرو چینش هنرمندانه کلمات است که می‌تواند فراتر از معنای لغوی، دلالت‌های ثانویه و ضمنی ایجاد کند. زرکشی نیز در «البرهان»، ذیل مباحث اعجاز قرآن، به ایجاز و انواع آن اشاره دارد و «اشاره» را یکی از وجوه ایجاز برمی‌شمارد که به واسطه آن، قرآن کریم با کمترین الفاظ، بیشترین معانی را منتقل می‌کند (زرکشی، ۱۹۵۸م: ۳/۲۱۵). این نگاه سنتی، سنگ بنای فهم اولیه از پدیده اشاره را فراهم می‌آورد، اما برای ورود به لایه‌های عمیق‌تر، نیازمند ابزارهای تحلیلی نوین است.

۳-۱. دلالت‌شناسی: لایه‌های معنایی متن

دலالت‌شناسی به مطالعه معنا در زبان می‌پردازد و به ما کمک می‌کند تا انواع معانی، از جمله معنای قاموسی (lexical meaning)، معنای جمله‌ای (sentential meaning) و معنای متنی (textual meaning) را تحلیل کنیم (Lyons, 1977: Vol.1, p.1-23). در چارچوب این پژوهش، دلالت‌شناسی به ما امکان می‌دهد تا به شناسایی دقیق لایه‌های معنایی پنهان در آیات قرآنی که از طریق اشاره منتقل می‌شوند، بپردازیم. این رویکرد کمک می‌کند تا تمایز میان دلالت مستقیم و دلالت غیرمستقیم (implied meaning) مشخص شود. به‌عنوان مثال، برخی اشارات ممکن است در سطح لغوی ساده به نظر برسند، اما در ترکیب با سیاق و بافت، به دلالت‌های عمیق‌تری رهنمون شوند. مفهوم «دلالت ضمنی» (connotation) در دلالت‌شناسی نیز برای تحلیل جنبه‌های بلاغی اشاره بسیار حائز اهمیت است.

۱-۴. پراگماتیک (عمل‌گرا) (Pragmatics): قصد گوینده و تأثیر بر مخاطب

پراگماتیک به مطالعه معنا در بستر کاربرد زبان می‌پردازد و بر نقش «قصد گوینده» (speaker's intention) و «تأثیر بر مخاطب» (hearer's effect) تأکید دارد (Levinson, 1983: p.9-38). نظریه «اعمال گفتار» (Speech Act Theory) سِرل (Searle, 1969: p.16-17) و «اصل همکاری» (Cooperative Principle) گرایس (Grice, 1975: p.45-47) از جمله مفاهیم کلیدی پراگماتیک هستند که در تحلیل صنعت اشاره بسیار کارآمدند. قصد گوینده (Illocutionary Act): در بلاغت اشاره، هدف اصلی نه تنها انتقال اطلاعات صریح، بلکه انتقال مفاهیمی است که گوینده قصد دارد مخاطب خود به طور غیرمستقیم آن‌ها را درک کند. تحلیل اعمال گفتاری نهفته در اشارات قرآنی، می‌تواند پرده از اغراض بیانی و هدایتی آیات بردارد.

دلالت‌های ضمنی و تلویحی (Implicature): مفهوم «ایمپلیکاتور» (Implicature) گرایس، ابزار تحلیلی قدرتمندی برای فهم چگونگی انتقال معنای غیرصریح در زبان است. اشاره در قرآن، به مثابه نوعی ایمپلیکاتور، بر مبنای فرض «عقلانیت» و «همکاری» مخاطب با کلام الهی استوار است؛ به این معنا که مخاطب با تأمل در الفاظ و بافت، به معانی پنهان پی می‌برد. بافت و سیاق (Context): پراگماتیک بر اهمیت «بافت کلامی» و «بافت موقعیتی» در فهم معنا تأکید دارد (Brown & Yule, 1983: p.25-30). تحلیل صنعت اشاره در قرآن بدون در نظر گرفتن سیاق آیات، اسباب نزول، و روابط بینامتنی امکان‌پذیر نیست. بافت، چارچوبی را فراهم می‌آورد که در آن اشارات معنای کامل خود را پیدا می‌کنند.

۱-۵. نظریه اعجاز بیانی قرآن

اعجاز بیانی به معنای برتری بی‌بدیل قرآن از نظر ساختار زبانی، شیوه‌های بلاغی و تأثیر عمیق آن بر مخاطبان است که هیچ کلام بشری یارای برابری با آن را ندارد (باقلانی، ۱۹۹۹م: ۶۷؛ رافعی، ۱۹۷۴م: ۳۱۲/۲). صنعت اشاره، به مثابه یکی از وجوه اعجاز بیانی، نشان‌دهنده دقت، عمق، و ایجاز شگفت‌انگیز کلام الهی است. این نظریه به‌عنوان چارچوبی فراگیر، تضمین‌کننده این است که تحلیل‌های ما صرفاً زبان‌شناختی نمانند و به جایگاه قدسی و معجزه‌آمیز متن قرآنی

نیز توجه کافی مبذول دارند.

۱-۶. خلاصه چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش، با تلفیق این سه رویکرد (بلاغت سنتی اسلامی، دلالت‌شناسی، عمل‌گرا) به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست که «اشاره در قرآن چیست؟» (با اتکا به بلاغت سنتی و دلالت‌شناسی)، «چگونه به کار رفته است؟» (با ابزارهای دلالت‌شناسی و پراگماتیک)، و «چرا به این شکل به کار رفته و چه کارکردهایی دارد؟» (با ابزارهای پراگماتیک و نظریه اعجاز بیانی). این چارچوب نظری، مسیری برای تحلیل دقیق و جامع بلاغت اشاره در گفتمان و حیانی فراهم می‌کند.

۲. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و با رویکرد توصیفی-تحلیلی (Descriptive-Analytical) انجام می‌شود. این روش‌شناسی امکان بررسی عمیق و موشکافانه پدیده‌های زبانی و بلاغی را در بافت طبیعی خود فراهم می‌آورد (Creswell, 2014: p.185-225).

۲-۱. نوع پژوهش

کیفی: این پژوهش به دنبال کشف و تبیین معانی، الگوها، و روابط در یک پدیده بلاغی است، نه اندازه‌گیری کمی آن.

بنیادی (Basic Research): هدف اصلی این مطالعه، گسترش دانش نظری در حوزه بلاغت قرآن و علوم قرآنی از طریق تبیین یک صنعت ادبی خاص است.

۲-۲. رویکرد پژوهش

توصیفی-تحلیلی: در این رویکرد، ابتدا نمونه‌های قرآنی حاوی صنعت اشاره شناسایی و توصیف می‌شوند. سپس، این نمونه‌ها بر اساس چارچوب نظری مطرح شده (بلاغت سنتی، دلالت‌شناسی، پراگماتیک (عمل‌گرا)) مورد تحلیل عمیق قرار می‌گیرند تا ساختارها، انواع، و کارکردهای بلاغی آنها تبیین شود.

۲-۳. جامعه آماری و نمونه‌گیری

جامعه آماری: هشت آیه از قرآن کریم که از صنعت «اشاره» در معنای مورد نظر این پژوهش بهره برده‌اند.

نمونه‌گیری: به دلیل گستردگی جامعه آماری و لزوم تحلیل عمیق، از روش نمونه‌گیری هدفمند (Purposive Sampling) استفاده خواهد شد (Patton, 2015: p.264-266). این روش به محقق امکان می‌دهد تا آگاهانه و بر اساس معیارهای نظری و بلاغی، آیات و فرازهایی را انتخاب کند که بهترین مثال‌ها و متنوع‌ترین کارکردها از صنعت اشاره را در خود جای داده‌اند. معیارهای انتخاب نمونه‌ها شامل موارد زیر خواهد بود:

- الف) آیاتی که مفسران و بلاغت‌پژوهان به صراحت به وجود اشاره در آن‌ها اذعان کرده‌اند.
- ب) آیاتی که از طریق ابهام‌عامدانه یا ایجاز، دلالت‌های ثانویه و تلویحی قابل توجهی دارند.
- ج) آیاتی که انواع مختلف اشاره (مثلاً اشاره به مجهول، اشاره به معلوم غایب، اشاره به دلالت‌های عقلی و ...) را در بر می‌گیرند.
- د) توزیع نمونه‌ها در سوره‌های مختلف و بافت‌های موضوعی گوناگون (قصص، احکام، عقاید و ...) برای پوشش جامع.

۲-۴. ابزار جمع‌آوری داده‌ها

مطالعه اسنادی (Documentary Analysis): ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها، بررسی مستقیم متن قرآن کریم و منابع تفسیری، بلاغی، و زبان‌شناختی مرتبط خواهد بود. این شامل:

- ۱) متون اصیل قرآنی (مصحف شریف).
- ۲) کتب تفسیر (مانند تفاسیر جامع و بلاغی).
- ۳) کتب علوم قرآنی (مبحث اعجاز، وجوه و نظائر).
- ۴) کتب بلاغت عربی (علم بیان، بدیع، معانی).
- ۵) کتب و مقالات زبان‌شناسی (دلالت‌شناسی و پراگماتیک).
- ۶) معاجم لغوی و اصطلاحی.

۲-۵. مراحل انجام پژوهش

مرحله اول: شناسایی اولیه و طبقه‌بندی مقدماتی

جستجوی گسترده در تفاسیر و کتب بلاغی برای شناسایی آیات و فرازهایی که به وضوح حاوی صنعت اشاره هستند یا مفسرین و بلاغت‌پژوهان به این ویژگی آن‌ها اشاره کرده‌اند.

طبقه‌بندی اولیه این نمونه‌ها بر اساس شباهت‌های ظاهری و موضوعی.

مرحله دوم: تحلیل دلالت‌شناختی

تحلیل لغوی و صرفی-نحوی آیات انتخاب شده.

بررسی سیاق آیات (contextual analysis) و بافت نزول آن‌ها.

تحلیل لایه‌های معنایی صریح و ضمنی (sematic analysis) و تفکیک دلالت‌های مستقیم

از غیرمستقیم.

واکاوی قصد گوینده (مؤلف) و تأثیر مورد انتظار بر مخاطب (pragmatic analysis)، با

بهره‌گیری از مفاهیمی چون ایمپلیکاتور، اعمال گفتار، و اصل همکاری.

بررسی جایگاه اشاره در ساختار کلی گفتمان آیه و سوره‌های مرتبط.

مرحله سوم: تبیین کارکردهای بلاغت ایجازی

تبیین انواع مختلف اشاره در قرآن بر اساس یافته‌های تحلیلی.

تشریح کارکردهای بلاغی هر نوع اشاره (مثلاً ایجاد ابهام عامدانه، تحریک تفکر،

عمق‌بخشی به معنا، ایجاز، تنوع بیانی، اعجاز).

رابطه دادن یافته‌ها به نظریه اعجاز بیانی قرآن و نشان دادن نقش صنعت اشاره در این اعجاز.

مرحله چهارم: ارائه نتایج و تدوین مقاله

جمع‌بندی و تدوین یافته‌های کلیدی.

استنتاج نهایی و ارائه پیشنهادات برای تحقیقات آتی.

نگارش مقاله بر اساس ساختار علمی استاندارد.

۲-۶. روایی و پایایی (Validity and Reliability)

روایی (Validity): برای اطمینان از روایی یافته‌ها، از مثلث‌سازی (Triangulation) منابع (نظرات مفسران، بلاغت‌پژوهان، زبان‌شناسان) و روش‌ها (تحلیل لغوی، سیاقی، پراگماتیک) استفاده خواهد شد. همچنین، یافته‌ها با متخصصان حوزه علوم قرآنی و بلاغت مطرح و اعتبار آن‌ها تأیید می‌شود.

پایایی (Reliability): پایایی این پژوهش از طریق شفافیت در روش‌شناسی و ارائه دقیق مراحل تحلیل تضمین می‌شود تا پژوهشگران دیگر بتوانند با دنبال کردن مسیر تحقیق، به نتایج مشابهی دست یابند. استفاده از منابع معتبر و مستند نیز به پایایی پژوهش می‌افزاید.

۳. تحلیل نمونه‌هایی از بلاغت اشاره در آیات قرآن کریم

صنعت اشاره در بلاغت قرآنی، هنر گفتن ناگفته‌هاست؛ اعجاز ایجاز در بیان مفاهیم گسترده‌ای که در لفافه‌ای از کلمات مختصر و عبارات دقیق پنهان شده‌اند. این صنعت، با تحریک ذهن مخاطب برای کشف مراد، به تعمیق معنا، افزایش تأثیر کلام و ایجاد ابهام هدفمند (که موجب تدبر بیشتر می‌شود) کمک شایانی می‌کند. در ادامه، ۸ نمونه برجسته از آیات قرآن کریم را با تمرکز بر این صنعت بلاغی، تحلیل خواهیم کرد.

۳-۱. سوره نساء، آیه ۳

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِسُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ﴾

محل اشاره: ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ﴾

تحلیل:

ظاهر و سیاق: این آیه در مورد جواز تعدد زوجات است، اما شروع آن با موضوع «عدم قسط در مورد یتیمان» به ظاهر نامرتبط می‌آید.

اشاره و کارکرد: این جمله اشاره‌ای بسیار عمیق و هوشمندانه به یکی از دلایل و زمینه‌های اصلی جواز تعدد زوجات در جامعه صدر اسلام دارد. در آن زمان، جنگ‌ها یتیمان زیادی بر جای می‌گذاشتند و زنان بیوه و سرپرست‌نداشته فراوان بودند. برای حمایت از این یتیمان (که

معمولاً دختران صغیره بودند و گاهی با ازدواج با سرپرستان، اموالشان نیز مورد سوء استفاده قرار می‌گرفت) و سرپرستی از زنان بیوه، ازدواج با آنان راهکاری مشروع بود. آیه اشاره می‌کند که اگر از رعایت عدالت در مورد یتیمان می‌ترسید (مثلاً از ازدواج با یتیمه‌ای که تحت ولایت شماست و ممکن است به مال او طمع کنید)، پس با دیگر زنان پاکیزه ازدواج کنید و از تعدد زوجات (با رعایت عدالت) بهره ببرید.

دلالت:

الف) تبیین حکمت تشریح: به جای صدور یک حکم صرف، حکمت و فلسفه یکی از احکام حساس اسلامی (تعدد زوجات) را به صورت ایجازگونه بیان می‌کند و آن را با یک مسئله اجتماعی مهم (سرپرستی ایتام و زنان بیوه) مرتبط می‌سازد.

ب) ایجاد ارتباط منطقی پنهان: ارتباطی که در نگاه اول آشکار نیست، اما با تدبر و شناخت بافت تاریخی-اجتماعی نزول آیه، روشن می‌شود.

ج) تحذیر از ظلم: در عین حال، هشدار می‌دهد که در نگاه اول آشکار نیست، اما با تدبر و شناخت ازدواج است.

نتیجه: این اشاره، نه تنها یک حکم شرعی را بیان می‌کند، بلکه آن را در بستر اجتماعی و اخلاقی خود قرار داده و هدف متعالی‌تر شارع را از تشریح آن آشکار می‌سازد.

۳-۲. سوره اسراء، آیه ۳۲ گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِتْمًا كَانَ فَاٰحِشَةً وَّسَاءَ سَبِيْلًا﴾

محل اشاره: ﴿وَلَا تَقْرَبَا الزَّوْجَا﴾

تحلیل:

ظاهر و سیاق: نهی از زنا. «لا تقربا» به معنای «نزدیک نشوید» است.

اشاره و کارکرد: قرآن کریم در نهی از گناهان، گاه مستقیماً از «لا تفعلوا» (انجام ندهید) استفاده می‌کند، اما در برخی موارد مانند زنا، ربا، مال یتیم و ... از «لا تقربا» (نزدیک نشوید) بهره می‌برد. این تعبیر، اشاره‌ای عمیق به لزوم دوری از هرگونه مقدمه و زمینه گناه است، نه صرفاً خود گناه. یعنی نه تنها خود زنا ممنوع است، بلکه هر عملی که انسان را به زنا نزدیک کند، مانند

نگاه حرام، خلوت با نامحرم، اختلاط بی‌رویه، و هر گامی که به سمت آن سوق دهد، نیز ممنوع است.

دلالت:

الف) پیشگیری از گناه: قرآن با این اشاره، به یک اصل مهم روان‌شناختی و تربیتی اشاره می‌کند: پیشگیری بهتر از درمان است. برای دوری از گناه بزرگ، باید از گام‌های کوچک و وسوسه‌انگیز نیز دوری جست.

ب) فراگیری و شمول: حکم را از محدود به خود عمل، به شامل مقدمات آن گسترش می‌دهد و نشان‌دهنده احاطه کامل قانون الهی بر ابعاد مختلف زندگی بشر است.

ج) تأکید بر قبح گناه: با تأکید بر دوری از مقدمات، زشتی و قبح آن گناه را بیشتر نمایان می‌سازد.

نتیجه: این اشاره، نه تنها یک نهی شرعی، بلکه یک دستورالعمل تربیتی و اخلاقی جامع است که ریشه گناه را هدف قرار می‌دهد.

۳-۳. سوره قصص، آیه ۷۷

﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا﴾

محل اشاره: ﴿وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا﴾

تحلیل:

ظاهر و سیاق: این آیه در خلال داستان قارون آمده و به او و به‌طور کلی به انسان‌ها توصیه می‌کند که در پی سعادت اخروی باشند، اما در کنار آن به «نصیب خود از دنیا» نیز توجه کنند.

اشاره و کارکرد: عبارت ﴿وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا﴾ اشاره به لزوم بهره‌مندی معتدل و مشروع از لذت‌ها و امکانات دنیا دارد، اما این بهره‌مندی باید در راستای هدف اصلی (آخرت) باشد. این جمله به غفلت نکردن از نیازهای مشروع جسمی و روحی، لذت‌های حلال، و آبادانی دنیا اشاره دارد، اما با این قید که این امور هدف نباشند، بلکه ابزاری برای رسیدن به آخرت باشند.

دلالت:

الف) توازن و اعتدال: به عنوان یک قاعده طلایی برای زندگی متعادل میان دنیا و آخرت مطرح می‌شود، برخلاف رویکردهای افراطی که دنیا را مطلقاً مذموم می‌دانند.
ب) ردّ رهبانیت: به صورت ضمنی، رهبانیت و کناره‌گیری مطلق از دنیا را رد می‌کند و دین را دین زندگی می‌داند.

ج) تبیین صحیح بهره‌مندی: نشان می‌دهد که بهره‌مندی از دنیا مطلوب است، به شرط آنکه انسان هدف اصلی خلقت (عبودیت و آخرت) را فراموش نکند.
نتیجه: این اشاره، تصویری جامع و متعادل از زندگی اسلامی ارائه می‌دهد که نه دنیاگرایی افراطی را تأیید می‌کند و نه رهبانیت و ترک دنیا را.

۳-۴. سوره کهف، آیه ۷۷

﴿فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ﴾

محل اشاره: ﴿جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ﴾

تحلیل:

ظاهر و سیاق: در داستان حضرت موسی و خضر، خضر دیواری را که در حال فرو ریختن است، بازسازی می‌کند. ﴿جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ﴾ به معنای «دیواری که می‌خواست فرو بریزد» است.

اشاره و کارکرد: در اینجا، اسناد «اراده» به دیوار (که یک موجود بی‌جان است) یک مجاز عقلی و استعاره مکتبیه بلاغی است، اما فراتر از آن، این تعبیر اشاره‌ای لطیف به نزدیک بودن حتمیت فرو ریختن دیوار است. گویی دیوار از شدت فرسودگی و سستی، به نقطه‌ای رسیده که دیگر نیازی به فشار یا تخریب از بیرون ندارد و خود به خود در حال فروپاشی است.

دلالت:

الف) تصویرسازی بلاغی: یک تصویر ذهنی قدرتمند از ضعف و فرسودگی دیوار ارائه می‌دهد که حس اضطرار و لزوم مداخله فوری را به مخاطب منتقل می‌کند.

ب) ایجاز در بیان وضعیت: به جای توضیح تفصیلی از فرسودگی، با اسناد اراده، عمق



ضعف را به شکلی هنرمندانه و موجز بیان می‌کند.

ج) آمادگی برای عمل خضر: زمینه را برای توجیه عمل خضر (بازسازی دیوار بدون درخواست مزد) فراهم می‌آورد، چرا که وضعیت دیوار حاد و نیازمند مداخله بوده است. نتیجه: این اشاره، مثالی برجسته از جان‌بخشی بلاغی به جمادات است که نه تنها به زیبایی ادبی می‌افزاید، بلکه معنای عمیق‌تری از وخامت اوضاع را نیز منتقل می‌کند.

۳-۵. سوره نور، آیه ۳۰

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ۗ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ﴾

محل اشاره: ﴿يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾

تحلیل:

ظاهر و سیاق: دستور به مؤمنان برای فروگشتن نگاه و حفظ فروج. ﴿يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾ به معنای «نگاه‌هایشان را فرو اندازند» است. حرف «من» زائد است و برای تبعیض یا ابتدا و انتها است.

اشاره و کارکرد: وجود حرف «من» تبعیضیه در «مِنْ أَبْصَارِهِمْ» بسیار حائز اهمیت است. این حرف اشاره می‌کند که مراد، فروگشتن بخشی از نگاه‌هاست، نه مطلق نگاه. یعنی نگاه‌کردن به طور کلی ممنوع نیست (مثلاً برای شناخت و تعامل اجتماعی)، بلکه آنچه ممنوع است، نگاه‌های هوس‌آلود، طولانی‌مدت، و نگاه به مواضعی است که تحریک‌کننده شهوت هستند. دلالت:

الف) اعتدال در حکم: شریعت اسلامی در مورد نگاه، رویکردی واقع‌بینانه و متعادل دارد و به افراط و تفریط نمی‌گراید.

ب) تبیین قلمرو حکم: به جای یک نهی مطلق و کلی که ممکن است دشوار باشد، به صورت ظریفی حدود و ثغور نگاه ممنوعه را مشخص می‌کند.

ج) جامعیت حکم: این اشاره بیانگر این است که مسئله پوشش و نگاه، یک سیستم بهم‌پیوسته و جامع است که هر جزء آن حکمت خاص خود را دارد.

نتیجه: این اشاره دقیق نحوی، به جای یک ممنوعیت مطلق، به یک حد و مرز اشاره می‌کند

که هم رعایت عفت را تضمین می‌کند و هم زندگی طبیعی و تعاملات اجتماعی را مختل نمی‌سازد.

۳-۶. سوره احزاب، آیه ۳۳

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾

محل اشاره: ﴿تَبَرَّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾

تحلیل:

ظاهر و سیاق: دستور به زنان پیامبر (و به تبع آن زنان مؤمن) برای خانه‌نشینی (البته نه به معنای مطلق حبس) و پرهیز از خودنمایی جاهلیت.

اشاره و کارکرد: عبارت «الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (جاهلیت نخستین) یک اشاره بسیار مهم است. این عبارت نه تنها به دوره جاهلیت پیش از اسلام اشاره دارد، بلکه تلویحاً به امکان وقوع جاهلیت‌های بعدی (جاهلیت ثانیه، ثالثه و ...) نیز اشاره می‌کند. یعنی خودنمایی و بی‌حیایی، یک خصیصه خاص یک دوره تاریخی نیست، بلکه می‌تواند در هر زمان و مکانی تکرار شود، و این تکرار همان «جاهلیت جدید» خواهد بود.

دلالت:

الف) زمان‌شمولی و فراتاریخی بودن حکم: حکم پوشش و عفت را از یک مسئله تاریخی، به یک حکم دائمی و فراتاریخی تبدیل می‌کند.

ب) تنبیه و هشدار: هشدار است برای نسل‌های آینده که مبادا رفتارها و اخلاق جاهلی، هر چند در ظاهری مدرن، باز هم تکرار شود.

ج) تشخیص ماهیت جاهلیت: جاهلیت را نه یک دوره تاریخی، بلکه یک نوع تفکر و سبک زندگی (بی‌بندوباری و خودنمایی) معرفی می‌کند.

نتیجه: این اشاره، عمق بصیرت قرآنی را نشان می‌دهد که با یک کلمه، آینده را پیش‌بینی کرده و هشدار دائمی برای جوامع بشری صادر می‌کند.



۳-۷. سوره بقره، آیه ۱۰۶

﴿ مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا ﴾

محل اشاره: ﴿ نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا ﴾

تحلیل:

ظاهر و سیاق: آیه در مورد مسئله نسخ در احکام الهی است. ﴿ نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا ﴾ به معنای «بهتر از آن یا مثل آن را می‌آوریم» است.

اشاره و کارکرد: این جمله اشاره‌ای دقیق به حکمت و مصلحت الهی در نسخ احکام دارد. قرآن با این تعبیر، به این نکته اشاره می‌کند که نسخ هرگز از روی نقصان یا پشیمانی نیست، بلکه همواره به دلیل مصلحتی عالی‌تر و خیر بیشتر برای بندگان است. «خیر منها» یعنی حکمی که از نظر ثواب، آسانی، یا منفعت، از حکم سابق بهتر است؛ و «مثلها» یعنی حکمی که از نظر فضیلت و مصلحت، با حکم سابق یکسان است (اما شاید از جنبه‌های دیگر تفاوت‌هایی داشته باشد).

دلالت:

الف) پاسخ به شبهات: پاسخی قاطع به شبهات مطرح‌شده توسط یهود و منافقین در مورد مسئله نسخ است که آن را نقص در علم یا اراده الهی می‌پنداشتند.

ب) تأکید بر کمال الهی: تأکیدی بر حکمت بالغه و علم ازلی الهی است که تمامی تغییرات در شریعت (نسخ) بر اساس یک برنامه جامع و مصلحت‌مند صورت می‌گیرد.

ج) ایجاد اطمینان: به مؤمنان اطمینان می‌دهد که احکام الهی همواره به خیر و صلاح آنهاست.

نتیجه: این اشاره، نه تنها یک مسئله اعتقادی مهم را روشن می‌کند، بلکه نگرش الهی به قانون‌گذاری را بر پایه خیر و مصلحت معرفی می‌نماید.

۳-۸. سوره یوسف، آیه ۲۴

﴿وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّآیْ بُرْهَانَ رَبِّهٖ كَذٰلِكَ لِتَصْرِفَ عَنْهُ السُّوٓءَ وَالْفَحْشَآءَ اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِيْنَ﴾

محل اشاره: ﴿وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّآیْ بُرْهَانَ رَبِّهٖ﴾

تحلیل:

ظاهر و سیاق: در داستان یوسف و زلیخا. «همّت به» یعنی زن قصد کرد (گناه را)؛ و «همّ بها» یعنی یوسف نیز قصد کرد (اما در ادامه بیان می‌شود که به دلیل دیدن برهان پروردگارش، از آن منصرف شد).

اشاره و کارکرد: این بخش از آیه یکی از ظریف‌ترین و پیچیده‌ترین موارد اشاره در قرآن است که مفسران و بلاغت‌دانان درباره آن بسیار بحث کرده‌اند. «همّ بها» به یوسف علیه السلام نسبت داده شده است. تفسیر این «همّ» (قصد و اراده) برای حفظ عصمت پیامبران بسیار کلیدی است.

اشاره در اینجاست که «همّ بها» به معنای قصد معصیت نیست، بلکه به معنای میل طبیعی و انسانی است که در مواجهه با چنین شرایطی در انسان ایجاد می‌شود، اما این میل هرگز به مرحله قصد و اراده فعل حرام نمی‌رسد. عبارت «لَوْلَا اَنْ رَّآیْ بُرْهَانَ رَبِّهٖ» به صورت ظریف و بلیغی، بیان می‌کند که حتی این میل طبیعی نیز به واسطه برهان الهی (که یوسف را از ارتکاب به گناه بازداشت)، به مرحله تحقق نرسید.

دالت:

الف) حفظ عصمت پیامبران: به ظریف‌ترین شکل ممکن، عصمت حضرت یوسف علیه السلام را از ارتکاب گناه (حتی قصد آن) تبیین می‌کند، در عین حال که او را یک انسان با گزینه طبیعی معرفی می‌نماید.

ب) اهمیت برهان الهی: نشان می‌دهد که چگونه لطف و برهان الهی، بندگان مخلص را از گناه باز می‌دارد و برتری «مخلصین» را بر «مخلصین» (آنها که خدا انتخابشان کرده و خالصشان کرده است) نمایان می‌سازد.

ج) ترغیب به مقابله با هوای نفس: با بیان اینکه حتی پیامبران نیز در معرض کشش‌های نفسانی قرار می‌گیرند، اما با اتکا به برهان الهی از آن عبور می‌کنند، به مؤمنان انگیزه می‌دهد که در برابر هوای نفس مقاومت کنند.

نتیجه: این اشاره، با ایجاز و ظرافت بی‌نظیر، هم مقام پیامبر را حفظ می‌کند و هم یک درس عمیق اخلاقی و تربیتی ارائه می‌دهد.

این ۸ نمونه تنها قطره‌ای از اقیانوس بی‌کران بلاغت قرآنی در صنعت «اشاره» است. مشاهده می‌شود که قرآن کریم چگونه با انتخاب دقیق واژگان، ترکیب جملات، و ایجاز بلاغی، مفاهیم عمیق، حکمت‌های تشریحی، و ابعاد تربیتی را در قالب عباراتی کوتاه و پرمعنا جای می‌دهد. صنعت اشاره، نه تنها به زیبایی و عمق معنای آیات می‌افزاید، بلکه ذهن مخاطب را به تدبیر و کشف لایه‌های پنهان معنایی ترغیب می‌کند و از این طریق، اعجاز بیانی قرآن را به وضوح نمایان می‌سازد. این رویکرد، قرآن را به کتابی همواره زنده و پرمعنا برای هر عصر و نسلی تبدیل می‌کند.

نتیجه‌گیری

در ساحت قدسی کلام الهی، آنجا که هر حرف و هر کلمه منبع فیضی از هدایت و معرفت است، «صنعت اشاره» به مثابه نگینی درخشان بر تارک بلاغت قرآنی می‌درخشد. پژوهش حاضر، با کاوشی هرچند کوتاه در دریای بی‌کران آیات، پرده از رخسار این اعجاز بیانی برداشته و نشان داده است که چگونه کلام‌الله مجید، با ایجاز و ظرافتی بی‌بدیل، مفاهیم عمیق، حکمت‌های غایی و لایه‌های پنهان معنا را در لفافه عباراتی موجز و کلماتی معنادار جای می‌دهد.

صنعت اشاره، صرفاً آرایه‌ای لفظی نیست؛ بلکه ابزاری قدرتمند است که عمق بی‌پایان معانی، جامعیت احکام و دوراندیشی حکمت الهی را به مخاطب هوشمند و متدبر، به طریقی غیرمستقیم اما بسیار مؤثر القا می‌کند. در هر اشارتی، یک جهان‌بینی نهفته است، یک درس اخلاقی پنهان است، و یک حقیقت هستی‌شناختی به ظرافت تراشیده شده است. این شیوه بیان، نه تنها ذهن را به تفکر و تأمل فرا می‌خواند، بلکه روح را نیز به سوی درک عمیق‌تر از حقایق هستی و مقاصد شریعت سوق می‌دهد. قرآن کریم با صنعت اشاره، مخاطبان خود را به کاوشگران

معرفت تبدیل می‌کند؛ کاوشگرانی که هر چه بیشتر در عمق آیات فرو می‌روند، گوهرهای ناب‌تری از حکمت و هدایت را کشف می‌کنند.

این پژوهش، با تحلیل نمونه‌هایی محدود اما روشنگر، کوشید تا تبیین کند که چگونه یک کلمه یا یک عبارت کوتاه قرآنی، قادر است با «اشاره» به ماقبل یا مابعد، به یک معنای کلی‌تر، به یک حکم پنهان، یا به یک حالت نفسانی و وضعیت تاریخی، دریچه‌هایی از فهم را به روی مخاطب بگشاید. این امر، نه تنها به غنای معنایی متن می‌افزاید، بلکه به آن حیاتی ابدی می‌بخشد؛ زیرا مفاهیم اشاره شده، فراتر از زمان و مکان، همواره راهگشای انسان در مسیر کمال و سعادت خواهند بود. در یک کلام، صنعت اشاره در قرآن، شاهدهی متقن بر این حقیقت است که کلام الهی، خود «آیه» و «نشانه» ای است از قدرت لایزال و علم بی‌منتهای پروردگار.

پیشنهادات برای پژوهش‌های آینده

دریای بی‌کران قرآن، همواره جایگاهی برای پژوهش‌های نوین و عمیق‌تر دارد. در راستای تکمیل و تعمیق بحث پیرامون صنعت اشاره، پیشنهادهای زیر مطرح می‌گردد:

۱) دسته‌بندی و طبقه‌بندی جامع‌تر: ایجاد یک طبقه‌بندی دقیق‌تر برای انواع «اشاره» در قرآن (مانند اشاره به ماقبل، اشاره به مابعد، اشاره به مقصود کلی، اشاره به حکمت تشریح، اشاره به خصوصیات نفسانی و ...) و تحلیل هر دسته به تفکیک.

۲) تحلیل تطبیقی صنعت اشاره در تفاسیر: بررسی و مقایسه رویکردهای مختلف مفسران (مانند تفاسیر فقهی، فلسفی، عرفانی، ادبی) به تبیین موارد اشاره در آیات و استخراج نکات بلاغی و معنایی از دیدگاه‌های گوناگون.

۳) بررسی تأثیر صنعت اشاره بر اعجاز عددی و هندسی قرآن: آیا می‌توان ارتباطی بین موارد اشاره و ساختارهای عددی یا هندسی خاص در آیات یا سوره‌ها پیدا کرد؟

۴) تبیین نقش صنعت اشاره در راستای نظریه «نظم قرآنی»: بررسی چگونگی کمک صنعت اشاره به ایجاد انسجام و پیوستگی معنایی بین آیات و سوره‌ها و تقویت نظریه «نظم قرآنی».

۵) مطالعه تطبیقی با متون مقدس دیگر: مقایسه شیوه «اشاره» در قرآن با متون مقدس ادیان دیگر (در صورت وجود) برای درک تمایزات و ویژگی‌های منحصر به فرد قرآن.

۶) کاربردهای تربیتی و اخلاقی صنعت اشاره: بررسی چگونگی استفاده از تکنیک «اشاره» در آیات برای انتقال مفاهیم تربیتی و اخلاقی به صورت غیرمستقیم و تأثیرگذارتر بر مخاطب.

۷) تحلیل رایانشی و معناکاوی: استفاده از ابزارهای نوین رایانشی و تکنیک‌های معناکاوی برای شناسایی الگوهای تکراری اشاره و کشف روابط معنایی پنهان در متن قرآنی.

محدودیت‌های پژوهش

هر پژوهشی، به فراخور حجم و هدف خود، با محدودیت‌هایی مواجه است که اذعان به آن‌ها، به صداقت علمی و واقع‌بینی می‌افزاید:

۱) حجم محدود نمونه‌ها: با توجه به گستردگی شواهد «اشاره» در قرآن، انتخاب تنها ۱۱ نمونه، طبیعتاً تنها بخش کوچکی از این پدیده بلاغی را پوشش می‌دهد و نمی‌تواند تمام ابعاد و ظرافت‌های آن را به طور کامل منعکس کند.

۲) عمق تحلیل: تحلیل ارائه شده، با هدف شناسایی و تبیین اولیه مفهوم اشاره، صورت گرفته است. عمق بخشیدن به تحلیل هر یک از نمونه‌ها، نیازمند پژوهشی مستقل و جامع‌تر برای هر مورد است.

۳) اتکا به تفاسیر مرجع: این پژوهش عمدتاً بر اساس تفاسیر مشهور و مرجع بنا شده است. ورود به جزئیات اختلاف تفاسیر در هر مورد و بررسی دقیق اقوال مختلف، از حوصله این پژوهش خارج بود.

۴) ماهیت کیفی پژوهش: این مطالعه ماهیتی کیفی و توصیفی-تحلیلی دارد و از روش‌های آماری یا کمی بهره نبرده است.

۵) تفاوت در ادراک مخاطب: درک و دریافت «اشاره» در قرآن، تا حد زیادی به میزان تدبیر، دانش ادبی، و پیش‌زمینه‌های فکری و اعتقادی مخاطب بستگی دارد. لذا، ارائه یک تحلیل یکسان برای همه مخاطبان، همواره با چالش‌هایی همراه است.

با وجود این محدودیت‌ها، امید است که این پژوهش، گامی کوچک در راستای شناخت عمیق‌تر از اعجاز بلاغی قرآن کریم و تلنگری برای پژوهش‌های آینده در این حوزه باشد. بی‌شک، قرآن دریایی است که هر چه در آن ژرف‌تر بنگریم، لؤلؤ و مرجان‌های بی‌بها و

شگفتی‌های بیشتری را کشف خواهیم کرد.

فهرست منابع

قرآن کریم (بی تا). ترجمه الهی قمشه‌ای، تهران، اسوه.

۱. ابن اثیر جزری، ضیاء الدین (۱۹۶۱م). *المثل السائر فی أدب الکاتب والشاعر*، تحقیق احمد الحوفی، بیروت، دار الجیل.
۲. باقلانی، ابوبکر محمدبن الطیب (۱۹۹۹م). *إعجاز القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۳. تفتازانی، سعدالدین (۱۹۸۷م). *المطول علی تلخیص المفتاح*، قم، مکتبة الداوری.
۴. جرجانی، عبدالقاهر (۱۴۰۴). *دلائل الإعجاز*، تصحیح محمد عبده، قاهره، دار المدنی.
۵. راد، احمد (۱۳۹۵). *کاربردهای بلاغی صنعت اشاره در سوره یوسف*، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۸۶، صفحات ۱۲۳-۱۴۰.
۶. رافعی، مصطفی صادق (۱۹۷۴م). *إعجاز القرآن والبلاغة النبویة*، بیروت، دارالکتاب العربی.
۷. زرکشی، محمد (۱۹۵۸م). *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، مطبعة عیسی البابی الحلبی.
۸. سید قطب، ابراهیم حسین شاذلی (۱۹۸۷م). *التصویر الفنی فی القرآن*، بیروت، دارالشروق.
۹. سیوطی، عبدالرحمن (۱۹۸۷م). *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، هیئة المصریة العامة للکتاب.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. قزوینی، جلال الدین محمدبن عبدالرحمن (۱۴۱۶). *الإیضاح فی علوم البلاغة*، تحقیق عبدالمنعم خفاجی، بیروت، دار الجیل.
12. Brown, Gillian & Yule, George (1983). *Discourse Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
13. Creswell, John W. (2014). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed*



Methods Approaches. 4th ed. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

14. Grice, H. Paul (1975). Logic and Conversation. In Syntax and Semantics, Vol. 3: Speech Acts. Edited by P. Cole and J.L. Morgan, pp. 41-58. New York: Academic Press .
15. Levinson, Stephen C. (1983). Pragmatics. Cambridge: Cambridge University Press .
16. Lyons, John (1977). Semantics. 2 vols. Cambridge: Cambridge University Press.
17. Patton, Michael Quinn (2015). Qualitative Research & Evaluation Methods: Integrating Theory and Practice. 4th ed. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
18. Searle, John R. (1969). Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language. Cambridge: Cambridge University Press.

